

به فرخندگی جشن اول ماه مه!

هیچگاه از اعتصابات و تظاهرات کارگری خالی نبوده و نیست . در تاریخ نوین ایران هیچ طبقاتی باندازه طبقه کارگر قهرمانی نداده است . رژیم کودتا که در مقابله با کارگران ، در رجه اول به نیت و زجر و اعدام توسل میجوید درین حال از تبلیغات گمراه کننده پراکنده غافل نیست و از آن جمله شعار میگوید : « همفکری کامل بین کارگر و کارفرما در مراحل مختلف تربیت را به پیش کشید » ولی طبقه کارگر آگاه ایران بخوبی میداند که بین دو طبقه ای که در جریان تولید در نقطه مقابل قرار دارند ، سود یکی در زیان دیگری و آسایش یکی در رنج دیگری است ، هیچگونه همفکری ندرمیدانند نمیتوانند موجود باشند و مدیریت کارگران در کارخانه ها فقط پیرای اشتراکی شدن مالکیت وسائل عمده تولید و استقرار حکومت توده ای امکان پذیر خواهد بود . البته طبقه کارگر بآن عده از سرمایه داران ملی که رشد در عهده تولید مستقل و ملی کشور ما در میانه با امپریالیسم و استعمار دارند در مرحله معینی گامهای مشترک بر میدارند . ولی این امر اولاً مربوط به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و ثنیکه گاههای رژیم کودتا نیست و ثانیاً هیچگاه تضاد میان کار و سرمایه را منتفی نمیکردند . رژیم کودتا با نشانه این فریب همت گماشته است که کارگر ان هر چه پیشتر از طریق تعدد روزگار و یا افزایش شدت کار بر میزان تولید بیفزایند بهمان نسبت بر

اخیراً نماینده حزب دیماری « مردم » در مجلس استغفار کتان گفت : « ما آنچنان حزبی نخواهیم بود و نخواهیم گذاشت حزبی تشکیل شود که کارگران را با اعتصاب و آرساز و نمایندگان آنها نیز در مجلس تحریک کرده و بیجا براه اندازند » (اطلاعات ۲۳ بهمن ۱۳۵۱)

کاملاراست است . در رژیم کودتا هیچیک از ارگانها و مقامات رسمی ، حتی حزبی که بمنظور عوام فریبی بنام « اقلیت » قدم بعرضه گذاشته ، جرات ندارد از اعتصاب کارگران پشتیبانی کند و یا سخنی بهواری از زحمتکشان بگوید .

اما طبقه کارگر برای دفاع از حقوق خود ، برای رهائی از استعمار و استعمار ، برای توسل با اعتصاب و هرسویه ، دیگر مبارز از هیچ طبقه ارتجاعی چشم یاری ندارد . بجواز عبور طبقه کارگر را تاریخ صادر کرده و نیروی روزافزون طبقه کارگر ضامن اجرایی نقش تاریخی اوست ، رضاشاه گبه « کارگر » و « زنجیر » اقدغن کرده بود و حاضر نبود از اتحادیه و حزب سخنی بشنود . یکی از نخست وزیران رژیم کودتا صریحاً در مجلس میگفت : « من از کنگه اعتصاب بدم میآید » و در یک روز بیش از ۸۰ تن از کارگران اعتصابی کوره پزخانه های تهران را بخون کشید . اصولاً کتسر اعتصاب و تظاهرات کارگری است که با سرنیزه و گلوله ، رضاشاه و پسرش روبرو نشده باشد . معدک تاریخ ایران پس از مشروطیت و ویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ و حتی در دوران رژیم کودتا

سیاست خانانانۀ نفتی و تسلیحاتی

تعدید قرارداد داریسی رادر روزگار رضاشاه همه خاطر دارند ، در سال ۱۳۱۱ شرایط جهان و ایران طوری نبود که امپریالیسم انگلستان صریحاً بیاطلبانه تعدید جهان قرارداد داریسی ننگین بر خیزد . امپریالیسم انگلستان که رضاشاه را به شتابه قدری ساده و ضد اشرافی و میهن پرست به سردار سپهری و وزارت جنگ و سپس به سلطنت رسانیده بود نمیخواست از توانگهان به مثابه عامل گوش بقرمان خویش استفاده کند و باین طریق نقشه های دراز مدت استعماری خود را در ایران با شکست مواجه سازد پس به صحنه سازی پرداخت : رضاشاه ظاهراً مفرور و تحقیر کتان فریاد برآورد که قرارداد داریسی تعدید شدنی نیست و دست داریک متن آن را از عم بردند . سخنگویان دولت در « بهت » اعلیحضرت سخن ها گفتند و مطبوعات مزدور و در رأس آنها همین روزنامه اطلاعات - در برابر این اقدام « ملی » به تحسین و تجلیل افتادند . غنای کوچی کننده ای برایشان ناینگه در آن میسران قرارداد داریسی بنام استیفا حقوق ایران تعدید کردید و ماورا آگاهی در شب های چرک افشایی بر سر در درگاهها و معازمهاتون : « حق به حقدار میرسد ، هشتادار »!

ویژگی نهضت اخیر دانشجویان

و در محافل بشماره برود موجب تلخگامی و خشم رژیم کودتا و هم چنین روزی نیست های حزب توده ایران است . رژیم کودتا میهراسد از اینکه مبادا از این جرفه ها حریق بر خیزد ، و روزی نیست های حزب توده ایران میهراسد از اینکه مبادا راه مسالمت آمیز آنها بخطر افتد و همه تدارکات سازش آنها با عیبت حاکم ناکهان برآورد . بسیار جالب توجه است که در همان ایامی که دانشجویان ایران بر علیه مسخره جشن های ده سالگی انقلاب و دوازده گانه ، بیخاسته و در برابر سرنیزه و گلوله سسته سپر کرده بودند رادیوی روزی نیست های (پیک ایران) آنها را ایراسیه وار به آراش و منانت دعوت میکرد و ضمن حساسا اخطار میداد که هر کس شعار مرگ برانقلاب بگوید « بد همد پر نهضت دانشجویی اختلال کرد است و این تهصت باید در برابر مطالبات دانشجویی و آزادی های دموکراتیک - تحت نظارت رژیم کودتا - باقی بماند ! (گفتار روز سه شنبه ۲۶ دی ماه)

مبارزات اخیر دانشجویان ایران از چند لحاظ جسامی خاصی در نهضت دانشجویی کشور ما دارد : یکی از لحاظ طول مدت مبارزات ، با آنکه سازمان امنیت تمام نیروی خود را بکار انداخت تا با تظاهرات دانشجویان را هر چه زودتر خاموش گرداند و از انعکاس آن در ایران و جهان جلوگیری ، تظاهرات مذکور که از نیمه دی ماه شروع شد ، مجلسان ادامه یافت و رادیوی تیران را در فروردین ماه هنوز از گسترش نهضت سخن میگفت .

خصوصیت دیگر این دوره از مبارزات دانشجویان این بود که به نقطه معینی محدود نمیشد و تقریباً کلیه دانشگاه های ایران را در تهران و آن در ریجان و خوزستان و مشهد و تبریز و اهواز و غیره گسترش یافت .

عقدترین ویژگی مبارزات مذکور عمق معنای سیاسی و صراحت شعارهای میهنی و ضد امپریالیستی آن بود . تظاهرات دانشجویان با آنکه از ارکات مبتدل و مسخره جشن های ده سالگی « انقلاب و دوازده گانه » شعله ور گردید و با شعار « مرگ برانقلاب سفید » گسترش یافت . بیکار بر علیه ترور اختناق و تبهکاری های سازمان امنیت ، بر علیه سیاست خانانانۀ رژیم کودتا در مسئله نفت و مذاکرات محرمانه شاه با انحصارهای نفتی ، بر علیه خرید ۲ میلیارد اسلحه از آمریکا ، غدای های اصلی این دوره از مبارزات دانشجویان را تشکیل میداد . بر خورد دانشجویان با قوای پلیس بقدری بصمانه و دلیرانه بود که بخبر روزنامه لوموند درگیری های دانشگاه تبریز را « نبرد رودر روی پلیس و دانشجویان » نام نهاد . پلیس فقط پس از قتل چهار دانشجوی و دستگیری عده دیگری از دانشجویان توانست دانشگاه تبریز را تسخیر کند . در دانشگاه جندی شاپور هم يك دختر دانشجو بقتل رسید .

دو جهان

« روز اول ماه مه فرارسید ، روزی که کارگران همه کشور ها فرارسیدن زندگی آگاهانه خوشتر اجتن میگردند ، اتحاد خویش را در مبارزه با هر نوع زورگویی و مستکبری انسانی برانسان دیگر ، در مبارزه با ظواهرهای میلیون ها زحمتکش را زگرسنگی ، بینوائی و ستم دیدگی جشن میکنند . در این مبارزه مشترک ، دو جهان در برابر هم ایستاد است : جهان سرمایه و جهان کار ، جهان بهره کشی و بردگی ، جهان برادری و برابری .

دریک سو شستی از توانگران تن آسان که کارگاهها و کارخانه ها و افزار های کار و ماشین ها را در شکل خویش گرفته اند ، میلیون ها هکتار زمین و کوه های از پور را به مالکیت خصوصی خود در آورده اند ، و دولت وارثان را بحدت خویش گماشته و پاسدار ثروت انباشته خویش ساخته اند .

در سوی دیگر میلیون ها تن از حرمرومان که با ابدان توانگران انتماس دارند داشته باشند ، با ناخودشان سازنده همه مشرونها هستند ولی در سراسر عمر با طرفه های نان رنج میبرند و جهان در جستجوی کار اند که گویی در تنهای صد قفاند ، نیرو و تند رستی خود را در زحمات طاقت فرساز دست میدهند و در پیغوله های دغا و دخته ها و بخرابه های شهرهای بزرگ کرسنگی میکنند .

اکنون این حرمرومان و زحمتکشان به توانگران و بهره گسنان اعلان جنگ داده اند ...

این مبارزات نشان میدهند که عوام فریبی های رژیم کودتا و اصلاحات نواستعماری محمد رضاشاه نتوانسته است خلق ما را گمراه گرداند و شعار « مرگ برانقلاب سفید » که بمعنای شعار مرگ بر رژیم محمد رضاشاهی است بصورت شعار عام برآید است . نشان میدهند که مردم ایران با بیداری و هشیاری تحسین آمیزی بر ایستادند و رژیم انده و خیانت های ضوالی او را که در زیر ده ها پرده فریبند صورت میگیرد بخوبی بازش شناسند و محکوم میکنند . نشان میدهند که دانشجویان ایران در مجموع خود در کار خلق قرار دارند ، در تجربه ناین حقیقت بی برده اند که هیچیک از خواست های اساسی دانشجویان آنها در دایره رژیم میهن فروش فعلی قابل تحقق نیست و ایمان بلزوم مبارزات ملی و ضد امپریالیستی در روح ان اجتماعی آنها جایگزین شده است . اما این پدیده که موجب شادمانی گویان انقلابی ایران است و مقدمه پیوند جنبش روشنفکران ایران با نهضت کارگران

اکنون همین صحنه سازی با برخی از تغییرات در کشور مانکر امیر میشود : سال ۱۳۲۲ رنگ خطر را برای کسرسیوم صدا در آورد و یاد آور شد که بیش از شش سال دیگر به خاتمه قرارداد او با دولت ایران باقی نمانده است ، همان قرارداد است که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بخاطر آن برپا شد و ۱۹ میلیون دلار خرج برداشت ، همان قرارداد است که تامین کننده آب حیات برای صنایع دریای امپریالیستی است . بدیهی است که در جهان امروز که امپریالیسم در حلقه محاصره خلق عاقلانده است ، در شرایطی که برخی از دولت های ضد استعماری صریحاً بمقابله با امپریالیسم برخاسته ، قرارداد های تحمیلی رها زنانه را از هم روده و نفت خود را ملی کرده اند تعدید صریح قرارداد کسرسیوم از طرفی محمد رضاشاه متضمن خطرات بسیاری میبود . از این جهت بشانور آمده تعدید قرارداد داریسی خوسل شدند ، محمد رضاشاه در نظری یاد کرد « هسهاله » انقلاب بات دوازده گانه ، خود سسته سیر کرد که قرارداد کسرسیوم را تعدید نخواهد شد . آنگاه همه سخنگویان و همه مطبوعات مزدور به شاکرانی قدرت شاهنشاه آریامهر و عظمت این اقدام ملی پرداختند . شاه به استراحت گاه مورث رفت و در آنجا به تیان با نمایندگان کسرسیوم ادامه داد ، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران رهسپار لندن گردیدند و جزئیات نقشه را بر وی کافند آوردند . نتیجه ای که بدست میآید همان است که شاه در نطق خود در پنجم ماه گذشته گفته بود : « راه دیگر نیست که ... شرکت های عاقل نفت بدل به مشتریان طول مدت ما شوند و ما نفت را برای مدت طولانی به قیمت خوب و تخفیفی که برای یک مشتری خوب میتوان قائل شد بفروش برسانیم و فروتنی برانضمین کنیم » .

ظاهراً است که قرارداد با کسرسیوم عیناً تعدید نمیشود و از این بعهد خود شرکت ملی نفت ایران مستقیماً همسده در استخراج و تولید نفت خواهد بود ولی واقعیت آنست که بموجب قرارداد جدید ، کارشناسان کسرسیوم تماماً بر سرگرا باقی می ماند ، نفت ایران فقط به شرکت های عضو کسرسیوم فروخته میشود و به میزان روز افزون و قیمت بازار امپریالیستی فروخته میشود ، و دولت ایران تضمین میکند کتا آخرین قطره نفت کشور ما را بیک شرکت عاقلی مذکور ببرد . در اینجا فقط شنگل عویس شده است تا غارتگری انحصارهای ملی نفتی محفوظ بماند . در زانیه امسال بنساست مذاکراتی که بین انحصارهای نفتی و کشورهای دارنده نفت خاور میانه در جریان بود کار شناس نفتی افراب سخنی گفت که اگر چه متضاد بنظر میآید بیان کرد واقعیت است . وی گفت که مناسبات بین ... بقیه در صفحه ۳

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

نهضت مسلمانان در بوزیل

نهضت انقلابی در کشورهای آمریکای لاتین و یاره
اوج میگیرد و این بار با استفاده از تجارب تلخ گذشته تحت
تأثیر اجزای کمونیست مارکسیست لنینیست در
سطح عالیتری از تشکل قرار دارد و به راه جنگ
توده‌های روان است.

برای نمونه ستوان کشور بوزیل را یاد آور شد. در آوریل
۱۹۶۴ در بوزیل با انعام امپریالیسم آمریکا کودتای فاشیستی
روی داد و حکومت ترور و وحشت برقرار گردید. ولی توده‌ها و
خلق بوزیل سر تسلیم فرود نیارند و هر سال تظاهرات اعتراضی با
کارگران، دهقانان، دانشجویان روزهایی رفت تا آنکه یک
سال پیش در منطقه آراگایا (شمال بوزیل) قیام مسلح بر پا
شد و سرعت گسترش یافت. نیروهای پارتیزانی آراگایا فقط
از پشتیبانی اهالی منطقه بلکه از هواداری کلبه خلق بوزیل
برخورارتند زیرا که آنها از آرمانهای همه خلق دفاع میکنند.
حکومت کودتاگران فاشیست بوزیل که از این نهضت پارتیزانی
سخت بهراس افتاده بود در ۱۸ سپتامبر سال گذشته به لشکر
کشی دست زد. ده هزار سرباز مجهز به وسایل مختلف جنگ
تحت نظارت ژنرالان آمریکایی و فرماندهی فرمانده کوبا
بوزیل بر مواضع پارتیزانی حمله ور شدند ولی بر خلاف انتظار
با ناکامی روبرو گشتند. ژنرال‌های بوزیلی برای اینکه پارتیزانها
در محاصره ببقیند بیوران ساختن نهات، تعقیب و زجر
روستائیان، بهم ریختن اراضی گشتمند دست زدند و ضنا
پادگان بزرگی در منطقه آراگایا بر پا کردند و به جاده کشی
در درون جنگلها پرداختند تا آسانتر به مواضع پارتیزانها
دسترس داشته باشند. ولی هیچیک از این اقدامات نتوانست
نیروهای پارتیزانی را که در میان خلق ریشه دارند درهم بشکند
همانطور که روزنامه ارگان مرکزی حزب کمونیست بوزیل نگاشته
است: "عدم رضایت در سراسر کشور توسعه مییابد. خلق
بوزیل رژیم فاشیستی را که بوسیله شتی از ژنرال‌ها برانگیخته
شده است تمیز میدهند و ریشه‌های انتخابات را میخورد.
این حقیقتی است که نهضت مسلحانه آراگایا موجب برانگیختن
مبارزه بسز شد و یکسایوری در کلبه زمینها گردید
و شور و شوق توده‌ها را اعتلا بخشیده و راه
های نوینی گشوده است."

در برابر چنین شکستی است که ژنرال‌های فاشیست
بوزیلی مانند کلبه نیروهای روبرو - جینایات جدیدی بر
علیه انقلابیون و همه خلق مبادرت جستنند و از آنجمله در اوایل
ماه فوریه چهار تن از رهبران حزب کمونیست و انقلابیون نامدار
بوزیل را بدست فاشیست‌ها تکیه نام "گردان‌های مرگ" بخورد
دادند از پای درآوردند. این چهار تن عبارت بودند از:
لینکن است ۶۵ ساله، لوئیس گیل هاردینی ۵۲ ساله،
لیکن راک از رهبران دانشجویان کارلوس انیلی از رهبران
جوانان، این چهار نفر در موقعی که در اوردسته پارتیزان
کمونیست بوزیل به روزهایی گرانید نقش مهمی در مبارزه با
روزیونیسم و در ساختن حزب کمونیست بوزیل ایفا کرده بودند
کشتار آنها بطور ضربه زدن به ستاد رهبری نیروی ضد
فاشیستی صورت گرفته است. ژنرال‌های فاشیست بوزیل کلبه
آزادی‌های دگرگانی را برانداختند و سانسور سخت برقرار ساخت
اند. در بوزیل فقط برای "گردان‌های مرگ" آزادی وجود
دارد. ولی به موازات تشدید ترور نهضت‌های توده‌های در شهر
و ده و مبارزات مسلحانه در منطقه آراگایا روزهایی بیشتر تقویت
و تحکیم میشود.
ما فریاد خود را بر علیه جنایات ژنرال‌های فاشیست
بوزیل و بر علیه کشتار رهبران گرامی حزب کمونیست بوزیل بلند
سازیم. ما یقین داریم که خلق بوزیل در طی نبرد‌های عظیم
خود رهبران دیگری خواهد پرورد و با گسترش نبرد‌های مسلحانه
آراگایا سراسر کشور پهناور بوزیل را از دشمنان خلق و دست
نشانندگان امپریالیسم پان خواهد کرد.
یاد رهبران شهید حزب کمونیست بوزیل
در نبرد همه انقلابیون و مارکسیست لنینیست‌های
جهان گرامی است.

پیروز باد حزب کمونیست بوزیل!

زندگی سوزان... بقیه از صفحه ۴
است! چه بسیار از زنان اسیر این "خانه زن" که از نقیاط
مختلف ایران بعنوان خدمتکاری خریداری و باین دامگاه
تیهکاری کشانده شده‌اند!

بند ریاس در رنج و مصیبت خود تنها نیست. همه
بنادر خلیج فارس در کار بند ریاس‌اند. نظری به جزیره
قسم بیند ازید که یگانه ساختمان آجریش پاسگاه زاندری است
تنها وسیله معاش مردم اینجا ماهیگیری است. سابقا خود مرد
ماهی میگرفتند و بآن ابرار معاش میکردند. بعد ادر سایه حکومت
کرد تا شرکت شیلات جنوب تشکیل شد و حق صید مستقل ماهی
را از مردم گرفت. اینک صیاد قشی مجبور است که تمام روز در
برابر مزی که حد اکثر آن به ۱۰ تومان میرسد بحساب شرکت
شیلات ماهی بگیرد. باین طریق هرچه شرکت شیلات ترشتر
میشود زحمتکشان قسم بیواتر و تهیدست تر میشوند. بیهوده
نیست که عده زیادی از آنها بقیه خطرات جانی از قسم به
سواحل جنوب خلیج فارس آواره میگرددند. مردم قسم آب مشوره
ندارند و هر سه هزار نفر آنها از آب بارانی رف عطف میکنند
که در گول آلوده سلو از گرم کردی آید. معدنك تصور کنید
که همین آب گرم آلود هم جاناتا بلبلهای شنه، زحمتکشان قسم
میرسد! نه! همین آب هم مالک دارد که هر حلق آن را به
ه ریال برود میفروشد! آب گرم آلود حلی ه ریال! اینست
هدیه رژیم کودتا بهسوخان ماکه هنوز در شرایط ماقبل قرون
وسطی بسر میبرد!

آری آنچه آبادی در بنادر خلیج فارس دیده میشود
متعلق است به امپریالیست‌ها، به خانواده پهلوی، به مالکان
و سرمایه دارانی که کشتی کشتی پول دارند، به امیران غارتگر
خلق غرب، و آنچه و برای است نصیب زحمتکشان است که تمام
هستی کشور ما تیره، دسترنج آنها و ایتال آنها، متعلق به
آنها و برادران آنهاست.

اماد وزیر آفتاب سوزان جنوب نیز مانند همه نقاط ایران
کینه سوزانی نسبت رژیم مردم کش محمد رضا شاه شعلهمیزند
ونود میدهد که این حکومت ضد خلقی و اسارت آور و دست
نشانده از آتش بیگار مفسد خلق ایران نخواهد رست.

پوسته چنین است که چون دشمن را بگویی از راستی
در می آید!

صد مرتبه بر ما غلبه میکند ولی در مرتبه صد و یکم ما
بر آنها غلبه خواهیم کرد!

در محیط زلالت پرور
اخیرا داستانی بنام "حدیث میرزا عبد الله خان" در مجله
سخن (آذر ۱۳۵۰) انتشار یافته است. از آنجا که این داستان
بقله یکی از کاسطیلیس ترین مداحان رژیم کودتا نوشته شده کسی
نمیتواند آن را زایده و احساسات دشمنانه و ناشی از انتقاد
میالغ آمیز بداند. از اینجست ماقسمی از آن را گنجانده‌ام
رفقار ما باشد ولتی رژیم کودتا تا بزرستان است. زیلاکوهی می‌آویزم
"وزیر بود. اما خد از زیدند هد چو زیری بود، خشن وی -
ادب و خشکمی نمود، بد دهن بود ضعیف چزان بود. روزی
نیگشت مگر آنکه دهان بریزان فحش و بد حرفی باشد. عضو
ضعیف را گریما آورد آنطور که عنکبوت کسی را بدام کند. آنگاه
ایرادهای دین شروع میشد. لایق قطع سوان میگردد. عضو
ضعیف در مقابلش چون گجشک در جنگال شاهین دست و پا میزد
به این دروان در میزد. آنوقت لاش میگردد، پاتوهین و تخمیر
می شکستن، سرافکده هاش مساخت و سپهر راهش میگردد. و همه
و همه بیدلیل و احیانا بعت کی شخصیت خود تر بود. وقت
عصیانیت منظر کم میشد، فریاد میگردد جنجال راه می انداخت،
پایش را به گداط میگوید، عینکش را بشکست، عریه میگردد،
چنان میشد که الا ان شکم رئیس در قریا کارمند "متوجه" را پاره
خواهد کرد... کاهی در هفتگی دیواری بودم. معاوضی
داشت فهمید مو رند و استاد کار... در و نذر بگیرم بامن بودند.
کاهی پنجم هم داشتیم. این مرد شریف قبل از روز به جلسه
آیت الکرسی میخواند و بخود فوت میگردد، دعای عزرب و طیلی می -
خواند که از گزند مصون باشد. میترسید در لجن فحش و بی -
حرشی‌های وزیر ببقیند."

جنایت راهزنان اسرائیل

یک ساعت پس از نیمه شب دوشنبه ۹ آوریل کما تندی
اسرائیلی با استفاده از کشتی و هلیکوپتر بیروت را بست
لبنان و برادر و کاهناهندگان فلسطینی در میدان حمله ویدل
غا فلجیا نه در لیبیا غیرتفا می‌یاد لیبیا سفا قیای فلسطینی
به بمب گذاری در خانه و کشتار بی رحمانه مردم و من جمله عده
از همیران جبهه نجات بخش فلسطین دست زدند. عملیات
کما تندی اسرائیلی طبق مواضع قبلی با دستک و اجابوسی
امریکا صورت پذیرفت و سفارت امریکا در بیروت بود که آنانی
در باره زکمت مواضع خویش بی‌اری داد. جبارتیا زمران جبهه
نجات بخش فلسطین که ناخواسته بقتل رسیدند غیاب شدند
از: یوسف نجاره کمال عدوان، کمال ناصر، ابولیلی.
ما لغت و هم می با یا رتلق ایران را نسبتا بین
جناحت بد صیونیسیم و امپریالیسم اعلام میداریم و سراسر
صلیبت خود را بنام است شهیدان بیروت و صیدون و تپارتن از
رهبران جبهه نجات بخش فلسطین به خلق فلسطین هم عطف
عرب تقدیم میکنیم. ما یقین داریم که این شیوه تا عطف هستی
اسرائیلی به خلق فلسطین و کلیه خلق‌های عرب را در مبارزه
آنها علیه صیونیسیم و امپریالیسم و بیخاطرها می بیند
مصمم تر و استوار تر خواهد ساخت. این دستپدر راهزنان تبار
دیگرتنان میدهد که برای ریشه کنی ساختن نجات و صیونیسیم
امپریالیستی هیچ راه دیگری جز توسل بقتل و دست مسلح و
جنگ انقلابی موجود نیست.

پیروز یاد خلق... بقیه از صفحه ۴ شرکت نمایند و دارو -
دسته لون نول - سیریک ماتاک رای داد. در سال ۱۹۷۱
صلیب سرخ شوروی لوازم ساختمان بیمارستان "دوستی" به
این دارودسته تحویل داد. چندی پیش شرکت بیبه دولتی
شوروی، یک شرکت کامیونی را که بکار حمل و نقل کالاهای
امریکائی به کامیوج میبرد از دست بیبه کرد و همه میدانند که کالا -
های مذکور جز اسلحه، ساز و برگ، و بمب برای کشتار خلق
کامیوج چیز دیگر نیست. روش سوسیال امپریالیست هسای
شوروی در کامیوج مظهر همگاری آنها با امپریالیسم امریکا است.
اما تجربه ویتنام در برابر همه خلق‌های جهان است.
این تجربه بار دیگر ثابت میکند که خلقی که برای آزادی و رفاهی
خویش آگاهانه بپاخاسته و اسلحه بدست برای هرگزنده افکاری
و جانبازی آماده شده است مغلوب شدن نیست. پیروزی
نهائی با خلق دلیر کامیوج است.

سپهاتوک رئیس دولت کامیوج و صدر جبهه اتحاد ملی
کامیوج در اظهاریه ۲۷ فوریه از دولت امریکا خواستار شده که:
"تمام کارمندان نظامی امریکا را بید رنگ از کامیوج بیرون برود
گنک نظامی خود را به باصلاح جمهوری خمر" کامیوج
بید رنگ قطع کند."
"از اعزام هواپیماهای امریکا به فضای کامیوج، بید رنگ
و برای همیشه دست بردارد."
سپهاتوک بد رستی گفت که: "حل مسئله صلح در کامیوج
دشوار نیست. اگر امریکا به قطع مداخله در امور مردم کامیوج
رضایت دهد کامیوج بزودی زود صلح سنتی خود را باز خواهد
یافت."
مطالبات سنگانه رئیس دولت کامیوج مطالبات خلقی
کامیوج و همه خلق‌های جهان است.
کوتاه‌بار دست تجاوز کار امپریالیسم امریکا از کامیوج!
سرتنگن یاد دارودسته زرخیز لون نول - سیریک ماتاک!
پیروز باد جبهه متحد ملی کامیوج!

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین

وضع فرهنگ

در سال ۱۳۵۰ تعداد کتاب‌های چاپ شده در ایران ۱۴۱۷ است. اگر فرض کنیم که هر کتاب بطور متوسط ۳۰ صفحه باشد (که نیست) جمعا ۴۲۵ هزار و صد صفحه کتاب در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است که اگر بین ۳۰ میلیون مردم کشور تقسیم کنیم رقمی بسیار جزئی بدست می‌آید در حالی که همین محاسبه در آسایشان می‌دهد که هر آسایشی سالانه ۳۲ صفحه کتاب نصیب می‌یورد.

اطلاعات ۲۸ اسفند ۱۳۵۰

طبق گزارش دبیرکل کمیته ایرانی یونسکو در سال ۱۹۷۰: در آمریکا و شوروی در حدود ۸۰۰۰۰ کتاب منتشر شده است در ترکیه ۵۰۰۰۰ در ایران ۱۵۰۰۰

کیهان ۳ مرداد ۱۳۵۱

سیستم «اهمیت جمعی» در آسیا

طبق اطلاع خبرگزاری تاس در روزهای اخیر یک کشتی جنگی و یک کشتی صین جیبکین و یک زیر دریایی شوروی وارد بندر بمبئی شدند. هدف ناوگان مذکور خلق اطلاع همان خبرگزاری و بازید رسمی دوستانه است.

خبرگزاریها با این مناسبت خاطر نشان می‌سازند که نفوذ نظامی شوروی در منطقه اقیانوس هند و نفوذی که با مسابقه بین ریزینویستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکائی در احراز سرکردگی در این منطقه ارتباط دارد، در این اواخر پیوسته رو به افزایش است. ریزینویستهای شوروی در زیر پرده «قرارداد صلح و دوستی و همکاری» که با مرجعان هندی منعقد ساخته شده، بسرعت به ایجاد پایگاه‌های دریائی در جزایر اندامارینیکواریا و پیش‌خاهاجان دست زده اند. در همین حال آنان در مدد تحصیل پایگاه‌های نظامی در اندونزی و در جزیره تیور هستند و از «کک اقتصادی» برای دست اندازی بسر جزایر موریس، زشل و سوکوترا و غیره استفاده میکنند. طبق اطلاعات مختلف، اکنون ۱۵ تا ۲۰ فرود کشتی جنگی شوروی در اقیانوس هند است. در عین حال که نفوذ نظامی شوروی گسترش می‌یابد و پدیده‌های کشتی‌های جنگی اودر منطقه اقیانوس هند مکرر می‌شود ریزینویستهای شوروی سرورود در باره اصطلاح «اهمیت جمعی» آسیا راز سرگرفته اند. چند روز پیش خبرگزاری تاس فریاد کشید که آسیا محتاج ... یک اهمیت جمعی است و «مجله» تووستی «مقاله ای تحت این عنوان بجا سانید: «نیاز مبرم به ایجاد یک سیستم اهمیت جمعی در آسیا البته تصادفی نیست که سرورود در باره «اهمیت و صلح» در آسیا با حرکت ناوگان جنگی شوروی و نمایش زور همراه است. سوسیال امپریالیستهای شوروی از طریق توطئه «اهمیت آسیا» میخواهند نقشه توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در این بخش از جهان عملی گردانند و نقشه مذکور در دایره استراتژی کلی ضد انقلابی و دو قدرت بزرگ (آمریکا و شوروی) در احراز سیادت بر جهان و تقسیم آن به مناطق نفوذ نیز کشیدن «کمر بند آتش» بر گرد جمهوری تودای چین صورت می‌گیرد. آنان به شیوه‌های برگزیده خویش که عبارت از ارعاب و اعمال فتنه است توسل می‌جویند ولی خلق‌های آسیا در برابر نقشه‌های توسعه طلبانه آنان بمخالفتی استوار برخاسته‌اند.

خبرگزاری آلبانی (آنا) - ۱۷ ژانویه ۱۹۷۳

از نظر مطبوعات محمدرضا شاهی

آزادی زن!

تشکیل اتحاد روسیایان در ترکیه و اگر از طرف مقامات رسمی ثبت و بیان شخصیت حقوق داده شود تازه ترین اقدام و حادثه ترین عمل برای قبول آزادی بیشتر زنان در کشورهای اسلامی است.

روزنامه سحر شماره ۷۶۹

به فرخنده‌گی ... بقیه از صفحه ۱ دستمزدشان افزودند و شد. ولی قانون استشار سرمایه داری و تجریر کارگران جهان و ایران به این فریب‌بخت با می‌زنند. در تاریخ حیاست سرمایه داری، هیچگاه افزایش دستمزد کارگران و جلوگیری از کاهش دستمزد آنها بدون مبارزه حاصل نشده است. وانگهی عصر کارگر آگاهی میدانند که در هر واحد از محصول کارخانه، قسمتی از کارمات شده او خوابیده است و هر چه میزان محصول بالا رود استعمار کارگر نیز بالا خواهد رفت و شکاف اجتماعی میان او و کارفرما پهناتر و زور فتر خواهد شد، اگر چه برد دستمزد او اندکی اضافه شده باشد.

امروز صنایع ایران بطور عمده در دست امپریالیست‌ها و سرمایه داران وابسته با نهایت واز اینجهت حتی مبارزات روزانه طبقه کارگر چه بسا که برخوردار مستقیم یا منافع استعمار در ایران دارد. مبارزات مطالباتی طبقه کارگر (برای افزایش دستمزد و تقابل ساعات روز کار و تامین بیمه‌های اجتماعی تحصیل مرخصی سالیانه با حقوق و غیره) میتواند موقتا از وخامت اوضاع زندگی این طبقه بکاهد و در ارتقاء سطح آگاهی و تشنگی او تاثیر فراوان دارد. وظیفه طبقه انقلابی ایران شرکت در این مبارزات و پشتیبانی فعال از آنهاست. ولی کستن زنجیرهای اسارت طبقه کارگر و همه خلق زحمتکش ایران جز با سرنگونی رژیم ضد ملی و دست نشانده امپریالیسم و جز با استقرار حکومت دموکراتیک نوین میسر نیست. ورزایی که تا دندان مسلح است و کمترین اثری از آزادی‌های دموکراتیک بر جای نگذاشته و جز با زبان گلوله با خلق سخن نمی‌گوید جز با زور نمیتوان سرنگون ساخت.

مابین در این طبقه کارگر ایران روز بروز صمنا ترو جانپازانه تر در راه مبارزات طبقاتی و ملی گام خواهد گذاشت و انقلاب دموکراتیک نوین را در زیر درفش حزب انقلابی مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر بوسیله جبهه واحد طبقه ملی و ضد استعماری و از طریق جنگ‌های بخش تودای پیروز خواهد رسانید.

در این جشن گرامی ماه مه از مبارزات گذشته طبقه کارگر ایران و جهان و همه خلق‌های شیفته راه‌های الهام‌گیریم احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران وجهت خود سازیم!

پسند خود را با طبقه کارگر و همه خلق‌های جهان و بویزه پرلنارای پیش‌آهنگ چین و آلبانی تحکیم کنیم!

مبارزه بر علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و رژیم دست نشانده محمدرضا شاهی را تشدید کنیم!

درفش ظفر بخش آموزش مارکس، انگلس، لنین و استالین و مائوسه دون را سر بلندتر برافرازم!

فرخنده باد جشن اول ماه مه!

درد پرشور به طبقه کارگر ایران!

صنایع اتومبیل در ایران

همه میدانند که آنچه در زبان هیئت حاکمه ایران «صنایع اتومبیل ایران» نامیده میشود چیز دیگری جز موتو از قطعات وارداتی نیست. اما همین موتو نیز بصورت اسف انگیزی انجام میگیرد که روزنامه کیهان در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ شرح داده است.

اینک عین نوشته کیهان:

اگر دستگیره اتومبیل‌های ساخت داخله در روزهای اول و فی الواقع برای اولین بار در کشور دست فرو می‌افتد و با بدنه‌های تابش آفتاب، قسمتهای از قطعات کوه‌پهت اتومبیل (برای ذوب شدن چسب) جدا میشود و یا از آن نصیب بعضی قطعات داخل اتومبیل فراموش می‌گردد و یا پیش‌تر برودیم، آبی شیشه اتومبیل‌ها بر اساس استفاده‌ها لیسسه و نصب شده و در نتیجه موجب تلفات جبران‌ناپذیر می‌گردد، این تلفات نا هتایم که چینی در داخل مملکت مصرف میشود «زبان کلی» بمصاحب صنعت وارد نمیشود، چرا که تقریبا همه ما در این نوع موارد سهل‌گیریم و حساسیت هتایم که چشمان خود را بر کسانمان برانوسیم. نقی شیشه اتومبیل از میان می‌رود پس از چند روز شیشه وزاری همه چیز را به فراموشی می‌سپاریم. اما در یک بازار خارجی چنین نیست (هر چه بفور قطع در بازار داخلی نیز نباید چنین باشد، در بازار خارجی و برحسب بازارهای که خریدار کلاه‌های صنعتی هستند استاندارد‌های واردات بشدت و اغلب با بی‌رحمی نسبت به تولید کننده و صادرکننده رعایت میشود.

سیاست خائنانه ... بقیه از صفحه ۱ این در طرف هر چه بیشتر تغییر پذیرد ثابت ترمیماند، روزنامه لوموند نوشت: «شک نیست که واشنگتن با تشویق قرارداد مشارکت بین کپانی‌های نفتی و کشورهای تولیدکننده خلیج (فارس) بزرگی کرده است زیرا که باین طریق از یک سو به تامین احتیاج خود از حیث مواد نفتی تضمین بخشیده و از سوی دیگر موجب تقویت روابط خویش با تحویل دهندگان نفت و بویژه با عربستان سعودی و ایران که پتنتی صاحب نیسی از ذخائر نفت جهان غیر کم نیست اند گردیده است» (۳۱ مارس ۱۹۷۳).

محمدرضا شاه در گفتارهای خود چنین نشان میدهد که گویا افزایش استخراج نفت یکی از هدف‌های ملی خلق ایران است و کسریسوم تاکنون در اجرای آن کوتاهی نمیکرد است. ولی همه میدانند که اول در شرایط استعمار امپریالیستی هر چه بیشتر از ایران نفت استخراج شود بهره‌کشی از کارگران ایران و غارت منابع ملی ما بهمان نسبت افزایش خواهد یافت. و ثانیا افزایش استخراج نفت یکی از هدف‌های امپریالیست‌هاست که آن را بطور غیر مستقیم و از زبان محمدرضا شاه مطرح می‌سازند بقول نشریه «پترولیوم پرس سرویس»: «بموجب برآورد چیس-مانهاتان بانک مصهر نفت آمریکا در ظرف مدت ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ به بیش از دو برابر بالا می‌رود و به ۳۰ تا ۴۰ میلیون بشکه در روز بالغ میشود. اگر هیچ گونه اقدامی برای افزایش تولید انجام نگردد میزان واردات (امریکا) بین ۴ تا ۲۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود و پس از سال ۱۹۸۰ واردات بخوبی از رقم ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد گذشت. اشکال دیگر امریکا اینست که کشورهای تولیدکننده نفت اطراف این کشور، از جمله ونزوئلا، قادر نخواهند بود که میزان تولید خود را با این احتیاجات افزایش دهند. خارومیانه که در سال ۱۹۷۰ فقط ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز به امریکا فرستاده است شاید بمسر بشود که صد و نوزده تون در سال ۱۹۸۰ به ده برابر این میزان می‌رساند و بتدریج تا سال ۱۹۸۵ این رقم را افزایش دهد» (تهران اکونومیست ۲۸ بهمن ۱۳۵۱).

اینک موضوع جدید شاه با انحصارهای نفتی تامین کننده این احتیاج مبرم روز افزون امپریالیست‌هاست. این موضوعه خیانت جدیدی به مصالح ملی و حیاتی ماست.

جالب توجه است که در همین اثنا دولت ایران قرارداد های خرید و فروش را به میلیون دلار اسلحه از انگلستان و اضا میکند که مبالغ آنها بقدرت از محل عواید نفت پرداخت خواهد شد. اضا چنین قراردادها وارد اخت چنین مبالغ افسانه و ارتباط میکند که سیاست نفتی و سیاست تسلیحاتی دولت ایران یکی است. امپریالیست‌ها همان پولی را نیز که بعنوان بهای نفت بایک دست با ایران می‌برند از تندر بهای تسلیحات با دست دیگر می‌برند و رضایت دولت محمدرضا شاه را در برابر نهضت خلق ایران و خلق‌های دیگر خارومیانه تجهیز می‌کنند. سیاست آنها از یک سو مبتنی است بر غارت نفت ایران و خارومیانه و از سوی دیگر بر سرکوب خلق‌های این منطقه بدست چاکرانی نظیر محمدرضا شاه.

نفت ایران و بطور کلی ثروت‌های زیرزمینی ایران استقلال و حاکمیت ایران، فقط با سرنگونی حکومت محمدرضا شاهی به خلق ما باز خواهد گشت.

وزگی نهضت ... بقیه از صفحه ۱ را آنترنشان انقلاب ایران و عمل مددکار رژیم محمدرضا شاه میدانیم بعلت این اعمال شخصی آنهاست. کسانی که چنگ انداخته‌اند و نهضت دانشجویی ایران را بعلق می‌کشند و این کار را در مورد نهضت عموم خلق ایران نیز انجام میدهند چه نقش دیگری جز دستکاری با هیئت حاکمه ایران میتوانست داشته باشند؟

ما به دانشجویان بنامست بیداری و پیکار جوی و دلیری آنها درود میفرستیم. ما معتقدیم که دانشجویان و بطور کلی همه طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک هرگز نباید از مبارزات صنفی و مطالباتی که وسیله تجمع و تشنگی و ارتقاء سطح آگاهی توده‌هاست ناظر گردند ولی شوم مبارزات سیاسی و قهرآمیز در نزد طبقات و قشرهای مذکور امری نوید بخش و برای تدارک انقلاب ایران ضروری است و مورد تأیید کامل ماست.

افخسار بر دانشجویان شهید!

ننگ و فترت بر رژیم خونخوار محمدرضا شاهی!